

«...مبارزه ی حزبی به حزب نیرو و حیات می بخشد، بزرگ ترین دلیل ضعف حزب پراکندگی و ابهام حدود صریحاً مشخص است، حزب با تصفیه خویش استحکام می یابد...»

(از نامه ی لاسال به مارکس مورخه ۲۴ ژوئن سال ۱۸۵۲)

پیشگفتار

رساله ای که از نظر خوانندگان می گذرد برحسب طرح اولیه نویسنده می بایستی به شرح و بسط تفصیلی افکاری اختصاص داده می شد که در مقاله ی «از چه باید شروع کرد؟» («ایسکرا» شماره ی ۴ ماه مه سال ۱۹۰۱)* بیان شده است. پیش از هر چیز باید از خوانندگان به واسطه تأخیر در ایفای وعده ای که در آن مقاله داده بودیم (و در پاسخ به پرسش ها و نامه های متعدد خصوصی تکرار شده است) پوزش بخواهیم. یکی از علل این تأخیر کوششی بود که برای متحد ساختن کلیه سازمان های سوسیال دموکرات مقیم خارجه در ماه ژوئن سال گذشته (۱۹۰۱) به عمل آمد. طبعاً لازم بود در انتظار نتایج این کوشش باشیم، زیرا در صورت کامیابی چه بسا لازم می آمد نشریات تشکیلاتی «ایسکرا» تا اندازه ای طور دیگر تشریح گردد و در صورت حصول یک چنین کامیابی ممکن بود سریعاً به وجود دو جریان در سوسیال دموکراسی روس خاتمه داده شود. چنان که خواننده می داند این کوشش به عدم موفقیت منتهی می گردد و به طوری که ذیلاً در اثبات آن سعی خواهیم کرد پس از

* - رجوع شود به کلیات، جلد پنجم چاپ چهارم روسی، ص ۱۲۰. ۵. ت.

گرایش جدیدی که مجله ی «رابوچیه دلو» در شماره ی ۱۰ به اکونومیزم ابراز داشت نمی توانست هم به عدم موفقیت منتهی نگردد. معلوم شد که بدون چون و چرا باید علیه این خط مشی بی سروته و مبهم، ولی در عرض به همان نسبت پایدارتری که قادر است به شکل های گوناگونی تجدید حیات کند، به مبارزه ی قطعی اقدام نمود. نظر به این اصل بود که طرح اولیه این رساله تغییر شکل یافت و به میزان قابل توجهی به آن بسط داده شد.

مبحث اصلی این رساله می بایستی عبارت از سه مسأله ای باشد که در مقاله «از چه باید شروع کرد؟» مطرح شده بود. یعنی: مسأله خصلت و مضمون عمده تبلیغات سیاسی ما، مسأله وظایف تشکیلاتی ما و مسأله نقشه ی بنیان گذاری یک تشکیلات مبارز برای سراسر روسیه در آن واحد در نقاط مختلف. این مسائل دیرگاهی است که مورد توجه نویسندگان بوده و سعی داشت آن ها را در روزنامه ی «رابوچایا گازتا»^۲ هنگامی که کوشش خالی از موفقیتی برای تجدید انتشار آن می کرد (رجوع شود به فصل پنجم) - طرح کند. فرض اول این بود که در رساله فقط به تحلیل این سه مسأله اکتفا شده و نظریات حتی المقدور به شکل مثبتی تشریح گردد ولی بعداً معلوم شد که انجام این کار بدون توسل یا تقریباً بدون توسل به جروبحث به دو علت زیر به هیچ وجه میسر نیست. از طرفی اکونومیزم به مراتب بیش از آن چه ما تصور می کردیم خود را سخت جان نشان داد (ما کلمه ی اکونومیزم را به معنای وسیع آن استعمال می نمایم یعنی همان طور که این کلمه در شماره ی ۱۲ «ایسکرا» در ماه

^۱ - «رابوچیه دلو» - مجله ی ارگان «اکونومیست ها» بود. این مجله به توسط «اتحادیه سوسیال دموکرات های روس در خارجه» از آوریل ۱۸۹۹ تا فوریه سال ۱۹۰۲ در ژنو انتشار می یافت.

^۲ - «رابوچایا گازتا» - روزنامه ی سوسیال دموکرات های کیف بود که از سال ۱۸۹۷ آغاز انتشار نهاد و اولین کنگره ی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه (۱۸۹۸) آن را ارگان مرکزی حزب شناخت. از این روزنامه فقط دو شماره انتشار یافت

دسامبر سال ۱۹۰۱ در مقاله ی «مصاحبه با مدافعین اکونومیزم» که به اصطلاح رنوس مطالب رساله ای را که از نظر خوانندگان می گذرد تشکیل می داد، توضیح داده شده است). مسلم شد که علت وجود نظریات مختلف در حل این سه مسأله، در قسمت اعظم، مربوط به تضاد عمیقی است که بین دو جریان در سوسیال دموکراسی روسیه وجود دارد، نه اختلاف در جزئیات. و از طرف دیگر ناتوانی اکونومیست ها در مورد تشریح واقعی نظریات ما در صفحات «ایسکرا» با وضوح تمام نشان داد که ما اغلب کاملاً به زبان های مختلف حرف می زنیم و بدین جهت هرگاه از * ab ovo شروع نکنیم به هیچ وجه نمی توانیم با هم کنار آئیم و باید کوشش کنیم کلیه نکات مورد اختلاف را برای کلیه اکونومیست ها با بیانی حتی المقدور ساده تر و با آوردن امثله ی متعدد و مشخصی به طور منظم «توضیح» دهیم. این بود که من مصمم شدم برای این «توضیح» یک چنین کوششی را بنمایم در حالی که کاملاً می دانستم که انجام این کار بر صفحات رساله به مراتب افزوده و طبع آن را به تأخیر خواهد انداخت، ولی در عین حال برای ایفای وعده ای که در مقاله ی «از چه باید شروع کرد؟» داده بودم هیچ چاره ای جز این نداشتم. علاوه بر عذر تأخیر، باید از لحاظ نقایص بسیاری هم که در طرز انشاء این رساله موجود است پوزش بطلبیم: من مجبور بودم با نهایت عجله و در حالی کار کنم که کارهای گوناگون دیگر مرا به خود مشغول ساخته بود.

تحلیل سه مسأله نام برده ی بالا کمافی السابق موضوع اصلی رساله را تشکیل می دهد ولی من مجبور شدم ابتدا از دو مسأله زیر که جنبه ی عمومی تری دارد شروع کنم یکی این که چرا یک چنین شعار «طبیعی» و «معصومی» مانند شعار- «آزادی انتقاد» برای ما یک آژیر حقیقی نبرد است؟ و دیگر این که چرا نمی توانیم حتی در مورد مسأله اساسی مربوط به نقش سوسیال دموکراسی نسبت به جنبش

* - از ابتدای الفباء. مترجم.

توده ای خود به خودی با یکدیگر کنار بیاوریم؟ علاوه بر این - تشریح نظریات مربوط به صفت و مضمون تبلیغات سیاسی به توضیح تفاوت بین سیاست تردیونونی و سیاست سوسیال دموکراتیک تبدیل گردید و تشریح نظریات مربوط به وظایف تشکیلاتی هم- به توضیح تفاوت موجوده بین خرده کاری که اکونومیست ها را اقناع می نماید و متشکل ساختن انقلابیون که به نظر ما یک امر ضروریست تبدیل شد. از این که بگذریم پافشاری من در قسمت «نقشه ی» تشکیل روزنامه ی سیاسی برای سراسر روسیه به همان اندازه که اعتراضات بر ضد آن بی اساس تر بوده و به همان اندازه که در پاسخ به پرسش من در مقاله ی «از چه باید شروع کرد؟» حاکی از این که چگونه باید بتوانیم در آن واحد در تمام نقاط اقدام به تأسیس تشکیلات مورد لزوم خود نمایم بیشتر مسامحه شده است، زیادتیر خواهد بود. سرانجام در خاتمه ی رساله امیدوارم مدلل سازم که ما آن چه از دستمان بر می آمد انجام دادیم تا از گسیختگی قطعی با اکونومیست ها، که معذالک امر اجتناب ناپذیری گردید، جلوگیری نمایم؛ و نیز مدلل سازم که مجله ی «رابوچیه دلو» اهمیت در حقیقت «تاریخی» مخصوص به خود گرفته است زیرا آن چه که از همه کامل تر و برجسته تر در آن منعکس گشت یک اکونومیزم پیگیر نبود بلکه آن تفرقه و تزلزلاتی بود که صفت ممیزه ی یک مرحله تام تاریخ سوسیال دموکراسی روسیه را تشکیل می داد و به این مناسبت جروبخت با مجله ی «رابوچیه دلو» نیز، که در نظر اول یک جروبخت بی اندازه مفصل به نظر می آید، کسب اهمیت می نماید زیرا اگر ما این مرحله را به طور قطعی از میان نبریم نمی توانیم پیش برویم.

ن. لنین

فوریه سال ۱۹۰۲